تدقیقی در مبانی ابتدائی آیتاللّه خوئی در کفایت رؤیت در یک بلد برای کل کره

دیروز بعد از مباحثه، آقا فرمودند توی گفتی طبق مبانی مرحوم آقای خوئی، آن جایی که قبل از زوال دیده میشود. خب شاید قبل از زوال، هلال را نبینند.

خب من هم گفتم اگر دیدند. لذا لزوم قید اشتراک افق نیست. اگر نظرتان باشد من قبلش یک مثالی زدم. ارتکازا انگیزههایی در مثال هست. وقتی شما فرمودید من از مثال، آن تفرع و استفاده را نکردم. اما بعد دیدم طبق مبانی مرحوم آقای خوئی با تمام جهات، هر چه دقت کنید، نیازی به اشتراک در شب نیست. نمیدانم چرا اضافه کردند.

دیروز تأکید کردم که وقتی در غروب قم، قمر از تحتالشعاع بیرون آمده و بهراحتی آن را میبینیم، همین لحظه یک شهری است که ساعت ده صبحش هست، در آن جا هم قمر در آسمانش موجود است، با فاصله بیست دقیقه ای نیم ساعت، بعد از شمس است. اینها را دیروز عرض کردم. سؤالی که کردم این بود: ما که در قم نگاه میکنیم و در مغرب خودمان هلال را میبینیم، آنها که در آسمان خودشان در ساعت ده نگاه میکنند و قمر پشت شمس را میبینند، اینها چند هلال است؟ دقیقاً یکی است. چون کره است، ما داریم از اینجا به آن نگاه میکنیم و آنها دارند از آن طرف به آن نگاه میکنند. همین هلال است.

این منظور مهمی است. مرحوم آقای خوئی، تلسکوپ را قبول ندارند، میگویند باید با چشم عادی رؤیت شود. اما رؤیت در یک نقطه را کافی میدانند. شما نگویید شاید فردا در آن جا قبل از زوال رؤیت نشود. خُب نشود. حتی اگر رؤیت هم نشود. چون در قم که رؤیت شده است. ایشان که لازم نمیدانند در افق آنها قابل رؤیت باشد. این نکته مهمی است.

لذا روی مبانی خودشان چون میدانیم الآن ما در قم، با چشم عادی هلال را میبینیم، پس برای کل بقاع کافی است. پس جایی هم که قبل از زوالشان است و ایشان هم میگویند قبل از زوال کافی است، مطمئن هستیم که چون هلال، یک جا دیده میشود ولو آن جا هم دیده نشود کافی است. این نکته مهمی است.

دیروز هم عرض کردم اگر شما برخورد کردید به من بگویید؛ این در مبانی استاد مهم است که چرا ایشان ملزم به اشتراک در شب شدند؟! آن هم با وجود آن لوازمی که در اشتراک در شب و اشکالات

عددی‌های که دارد! نه ایشان می‌توانستند بگویند روی مبنای من، به‌غیر از نود درجه‌ای که الآن زوال‌شان شده تا غروب، هلال ثابت است. آن‌هایی که قبل از زوال‌شان است می‌گویند امروز روز اول است. آن‌هایی هم که روزشان دارد می‌آید، روز اول‌شان است. این چه مشکلی دارد؟!

شاگرد: منظورتان کل کره زمین است؟

استاد: بله، ایشان فرمودند شاید در آن جا نبینیم. رفتند روی مبنای آقای سیستانی. و حال آن‌که روی مبنای خودشان نیازی ندارید که در آن جا ببینیم. ایشان می‌گویند اگر در قم دیدیم برای همه جا کافی است. چون «ظاهرهٔ سماوی» است.

شاگرد۲: دیگر قبل از زوال که جای طرح ندارد. یعنی بگوییم این در کنار آن دارد به ما نتیجه‌ای می‌دهد.

استاد: در قبل از زوال می‌گویند رؤیت در آن کافی است که بگوییم این روز از شهر آتی است. یعنی ایشان قائل می‌شوند به این‌که رؤیت در قم برای سه ربع کره زمین کافی است. دیگر نیازی ندارید که آن‌ها ببینند. چون می‌گویند «ظاهرهٔ سماوی» است؛ ما یک جا ماه را دیدیم. با تلسکوپ ندیدیم، لذا برای همه کافی است. نمی‌گویند باید رؤیت در افق بلد باشد.

شاگرد۲: سه ربعی که می‌فرمایید با توجه به رؤیت قبل از زوال است؟

استاد: بله.

شاگرد۲: خُب اگر رؤیت قبل از زوال رخ داد؟

استاد: رخ داده. ما آن را دیدیم.

شاگرد۲: فرض می‌گیریم که رؤیت قبل از زوال رخ داده است.

استاد: قطعاً داده چون ما آن را در قم دیده‌ایم.

شاگرد۲: وجود دارد اما دیده نمی‌شود.

استاد: در قم که داریم می‌بینیم. فرض ما این است.

شاگرد۲: رؤیت قبل از زوال ندارید؛ به این معنا در جاهایی که قبل از زوال است ماه دیده نمی‌شود. در قم دیده می‌شود که غروب است.

استاد: ببینید ایشان می‌گویند رؤیت به‌معنای رؤیت در بلد نیست.

شاگرد۲: عرض من این است که رؤیت در قم سه ربع را درست نمی‌کند. چهار ربع را درست می‌کند. رؤیت در قم برای کل زمین است. رؤیت در قم به ضمیمه رؤیت قبل از زوال، سه ربع را درست می‌کند.

استاد: شما می‌گویید آن‌ها رؤیت قبل از زوال در بلد خودشان ندارند. اما فرض ما این است که ما در قم می‌بینیم.

شاگرد۲: می‌بینیم ولی چهار ربع را درست می‌کند. یعنی برای کل کره است.

استاد: درست است، اما یک ربعش از زوال گذشته است. مبنای ایشان اجازه نمی‌دهد. ایشان می‌گوید اگر زوال شد دیگر فایده‌ای ندارد. دیگر روز گذشته است. دیگر نمی‌توانیم بگوییم امروز با اینکه ساعت دو بعد از ظهر دیدیم، امروز روز اول ماه مبارک است.

شاگرد: کسانی که بعد از زوال هستند، چه نیتی کنند؟

استاد: نیت روز اول را می‌کنند.

شاگرد: چرا؟ برای آن‌ها دوم می‌شود ولی برای اینها اول می‌شود؟

استاد: به‌خاطر اینکه خروج قمر و شروع ماه بعد از زوال آن‌ها بود، احکام روز بالفعل آن‌ها مستقر شد. یعنی روز سیام شعبان بود و تمام.

شاگرد: بحث این است که در قم شب دوم است ولی برای آن‌ها شب اول ماه می‌شود. دوباره دو هلال می‌شود.

استاد: به هم متصل هستیم. ما شب اول‌مان را می‌گیریم و آن‌ها هم که بعد از زوال‌شان است، پشت سر ما به‌عنوان اول مُمتد، روزه می‌گیرند. یعنی وقتی ما به‌عنوان روز اول افطار کردیم، آن‌ها تازه روزه روز اول را دارند.

شاگرد: خُب بگوییم یک روز را قضا بکنند و به‌عنوان روز دوم روزه بگیرند.

استاد: نه. این لازمه را ندارد.

شاگرد۲: اگر یک نصف النهار را در نظر بگیریم آن‌ها باید قضا کنند؟

استاد: حالا به نصف النهار می‌رسیم. فعلاً آن چیزی که مقصودم هست را عرض کنم که روی مبنای ایشان، قید اشتراک در شب نیاز نیست.

شاگرد: اگر ساعت ده صبح آن‌ها مصادف با غروب ما باشد که ما هلال را می‌بینیم ولی آن‌ها نمی‌بینند، برای آن‌ها امروز آخر ماه است یا فردا؟

استاد: به مبنای آقای خوئی، خُب نبینند. اما به مبنای آقای سیستانی وقتی نبینند فایده‌ای ندارد.

شاگرد: مبنای آقای خوئی این است که اگر هلال قبل از زوال رؤیت شود، برای آن‌ها است.

استاد: خُب رؤیت شد. در بلد آن‌ها رؤیت نشد. ولی در قم که رؤیت شد. لذا دیروز تأکید کردم آن چه که ما می‌بینیم با آن چه که آن‌ها می‌بینند دو تا نیست. موقعیت‌مان فرق دارد. همین هلال است که در وقت غروب‌مان به آن نگاه می‌کنیم و آن را می‌بینیم. آن‌ها وقت قبل از زوال‌شان است و به آن نگاه می‌کنند. حالا ببینند یا نبینند. حالا وقتی ما دیدیم آن چه که مبنای فتوای ایشان است، کافی است.

شاگرد۲: شما بعد از زوال را حکم تشریعی می‌گیری‌دی که در حکم تکوینی دخالت می‌دهید. کسانی که بعد از زوال هستند تکوینا همان یک هلال است. اما شرعا بعد از زوال روزه فایده‌ای ندارد.

استاد: این درست است. این چیزی است که الآن می‌خواهم بگویم. برای بعد از زوال خیلی حرف داریم. الآن ایشان استدلالی می‌کنند و همین فرمایش شما را عرض می‌کنم. ایشان فرمودند: **«و ان**

کان ثابتا فی اصله و لکن غیر صحیح قطعاً»؛ روی مبنای ایشان نمی‌توانیم بگوییم «غیر صحیح قطعاً». بعد فرمودند: «وه المستفاد من النصوص الشرعی».

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 11:42:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 11:44:04 توسط ... .